



An Examination of David Cook's Viewpoints Concerning the Relationship between Jihad and Apocalypse / Eschaton Discourse*

Mahmood Makvand^۱

Samaneh Rahmannejad^۲

Abstract

In recent decades, the people of the world have witnessed the appearance of terrorist and jihadist groups, that each of them has somehow challenged the issue of jihad, the apocalypse and the events of the end of the world with the Islamic suffix and the spread of non-human actions. These actions have provided the ground for extensive Islamic researches by western scholars, so far as that some scholars have pay attention deeply to the close relationship between these three topics. David Cook is one of the well-known specialists in this field who has written several books and articles on “jihad”, martyrdom and apocalyptic literature and believes that there is a direct and strong connection between these issues. This article seeks to investigate the viewpoints of David Cook about the relationship between “jihad” and apocalyptic literature in a descriptive-analytical method by the critical approach. Cook thinks that the belief in the imminent end of the world is the principal factor of the spread of Islam and the conquests of Muslims; because without this final date in mind, it would have been difficult for Muslim fighters to participate in the war and endure its problems and suffering. Indeed, the basis of this kind of thinking is the verses of the Qur'an about the imminent end of the world and some traditions. On the one hand, the present study indicates that the origin of such a viewpoint is to have a superficial and selective approach in reasoning to verses and hadiths, and on the other hand, to adopt the presumption of belligerence and violence nature of the doctrine of “jihad” in Islam.

Keywords: Quran, Jihad, Apocalypse/ Eschaton, David Cook, War, Violence

*. Date of receiving: ۲۶, December, ۲۰۲۰, Date of approval: ۲۵, June, ۲۰۲۱.

^۱ -Assistant professor of Quranic studies and hadith, Liteyures and Humanities collage, Kharazmi university, Tehran, (Corresponding Author) mahmoodmakvand@yahoo.com

^۲ - Master student of Quranic studies and Hadith collage, Kharazmi university, rahmannejad_s@yahoo.com



بررسی ارتباط میان «جهاد» و گفتمان آخرالزمانی از منظر دیوید کوک*

محمود مکوند^۱ - سمانه رحمان نژاد^۲

چکیده

در دهه‌های اخیر جهانیان شاهد ظهور گروه‌های تروریستی و جهادی بوده‌اند که هرکدام به نحوی با پسوند اسلامی و گسترش اقدامات غیرانسانی مسئله «جهاد»، «آخرالزمان» و رخدادهای «پایان دنیا» را به چالش کشیده‌اند. چنین کنش‌هایی مقدمات تحقیقات گسترده اسلام‌پژوهان غربی را در این زمینه فراهم آورده است تا آنجا که برخی به بررسی ارتباط تنگاتنگ میان این سه مقوله پرداخته‌اند. دیوید کوک (David Cook) از جمله صاحب‌نظران این عرصه است که مکتوبات بسیاری در زمینه جهاد، شهادت و گفتمان‌های آخرالزمانی به رشته تحریر درآورده و معتقد است، ارتباطی مستقیم میان این مباحث وجود دارد. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، با رویکردی انتقادی، ارتباط میان جهاد و گفتمان آخرالزمانی را از منظر دیوید کوک مورد واکاوی قرار داده است. کوک، عامل گسترش اسلام و فتوحات مسلمانان را اعتقاد به وقوع قیامت در آینده‌ای نزدیک می‌داند؛ زیرا معتقد است تا این تاریخ‌گذاری نهایی در ذهن مجاهد نقش نبندد، آمادگی برای حضور در جنگ و تحمل مشکلات و مصائب آن وجود نخواهد داشت و زمینه‌ساز این تفکر، آیات قرآن در خصوص قریب‌الوقوع بودن پایان دنیا و نیز برخی روایات هستند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که خاستگاه چنین نظرگاهی، از یک‌سو در پیش گرفتن رویکردی سطحی و گزینشی در استدلال به آیات و روایات است و از سوی دیگر اتخاذ پیش فرض جنگ طلب و خشونت‌آمیز بودن آموزه جهاد در اسلام است.

واژگان کلیدی: قرآن، جهاد، آخرالزمان، دیوید کوک، جنگ، خشونت.

*- تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۰/۶؛ تاریخ تایید ۱۴۰۰/۴/۴.

^۱ - استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران (نویسنده مسئول) -

mahmoodmakvand@yahoo.com

^۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده ادبیات دانشگاه خوارزمی تهران ایران -

rahmannejad_s@yahoo.com



مقدمه

پیدایش گروه‌های تروریستی و سلفی مانند دو گروه تروریستی القاعده و داعش با عملکردی رادیکال و با برجسب فعالیت‌های اسلامی و گسترش اقدامات ضد انسانی و ضد حقوق بشر موجب شده تا تحقیقات وسیعی از سوی محققان غربی در حیطه چستی «جهاد»، «آخرالزمان» و نقش قرآن و روایات در پرورش این دو مقوله انجام گیرد. برخی از اسلام‌پژوهان غربی با ضعف تحلیل، عدم توجه به تمام ابعاد جهاد از منظر قرآن و روایات و فقدان شناخت کافی در خصوص آخرالزمان و موعودگرایی، جهاد را عامل خشونت و نگاه آخرالزمانی را مؤید آن می‌دانند؛ از این رو آشنایی با نظریات ایشان و تحلیل و بررسی آن از جمله موضوعات مهم پژوهشی است که بایستی مورد توجه قرار گیرد.

در میان اسلام‌پژوهان غربی، دیوید برایان کوک (David Bryan Cook) یکی از صاحب‌نظران این عرصه قلمداد می‌شود که تحقیقات مبسوطی در این حوزه پژوهشی انجام داده است. او متولد سال ۱۹۶۶، تاریخ‌شناس آمریکایی و استاد تاریخ اسلام در دانشگاه رایس است که در زمینه خاستگاه و گسترش تاریخی اسلام تدریس می‌کند. وی در حوزه دین‌پژوهی به خاطر ترجمه دقیق متون اسلامی فردی مطرح است و شناخت تاریخ صدر اسلام، متون و جنبش‌های مربوط به آخرالزمان، اسلام افراط‌گرا و ادبیات یهودی-غربی در حوزه تخصص او قرار می‌گیرد. کوک تاکنون چندین عنوان کتاب و بیش از ده‌ها مقاله علمی به رشته تحریر درآورده است. افزون بر این وی در ویرایش مجموعه آثار آخرالزمان اسلامی و آخرت‌شناسی با انتشارات دانشگاه ادینبرو همکاری می‌کند و به ترجمه آثار کهن آخرالزمانی مسلمانان می‌پردازد و در حال حاضر روی دو پروژه اسلام رادیکال (بررسی جریان دگرگونی دینی عرفانی در جنبش‌های تکفیری رادیکال) و نوشتار آخرالزمانی شیعیان معاصر (ایران، عراق و لبنان) فعالیت می‌کند (<https://reli.rice.edu/people/faculty/david-cook>).

از آنجاکه دیوید کوک فردی شناخته‌شده در حوزه پژوهش درباره موضوعات «جهاد» و «آخرالزمان» در اسلام است و تحقیقاتی مبسوط در این خصوص انجام داده و نوشتارهای او مورد توجه عموم مردم و مرجع محققان قرار گرفته است، تبیین و تحلیل نظرات وی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدین سبب در پژوهش حاضر برآنیم تا به نقل و تحلیل آرای او پرداخته و با تکیه بر واکاوی و بررسی آثار وی به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

۱. نظرها دیوید کوک در باب ماهیت خشونت‌آمیز جهاد و ارتباط آن با جنگ تا چه میزان

صحیح و قابل قبول است؟

۲. خاستگاه و مبانی دیدگاه دیوید کوک در خصوص ارتباط بین جهاد و آخرالزمان چیست؟

۳. وی به چه علت معتقد به ارتباطی ژرف بین جهاد و آخرالزمان است؟

در باب پیشینه این مقاله لازم است، اشاره شود که پژوهشی مستقل در زمینه بررسی دیدگاه دیوید کوک درباره مقوله «آخرالزمان» تحت عنوان «بررسی و نقد دیدگاه‌های دیوید کوک در موضوع مهدویت و آخرالزمان اسلامی» توسط سید رضی موسوی گیلانی و زهیر دهقانی آرانی در زمستان سال ۱۳۹۵ در فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود به چاپ رسیده است. در مقاله مذکور نگاه قرآن به مباحث آخرالزمانی، موعودگرایی در مذهب تشیع و تشابه بین آخرالزمان اسلامی و مسیحی از منظر کوک نقد و بررسی شده است.

در نوشتار حاضر سعی بر آن است تا ابتدا دیدگاه دیوید کوک درباره «جهاد» و «آخرالزمان اسلامی» تبیین و توصیف گردد و سپس نگرش وی مبنی بر وجود ارتباط قوی میان این دو مقوله مورد تعمق و تفحص قرار گیرد؛ بنابراین پژوهش حاضر با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی نظرگاه دیوید کوک را در این باب مورد بحث و ارزیابی قرار خواهد داد.

۱. تبیین نظرگاه کوک درباره جهاد و «آخرالزمان»

به منظور پی بردن به وجود ارتباط یا عدم ارتباط میان مقوله جهاد در اسلام و آخرالزمان بایسته است، نظرگاه کوک در سه محور مورد بررسی قرار گیرد:

یک. چیستی و معنای «جهاد»

از آنجاکه تاریخ، زمینه تخصص کوک است، با رویکردی تاریخی مفهوم جهاد را مورد واکاوی قرار می‌دهد. وی با در نظر گرفتن بافت «جهاد»، نگاه‌های مسلمانان و عملکرد آنان در طول تاریخ، جهاد را «جنگ دارای اهمیت معنوی» و به‌طور کلی «جنگ مقدس الهی» تعریف می‌کند که بافت ظهور آن مدینه و در دوران قدرت یافتن مسلمانان بوده است. او با چنین برداشتی به قرآن و روایات به‌عنوان دو منبع اصلی رجوع کرده و تصریح می‌کند که قرآن و احادیث بیانگر تاریخچه جنگ در دوران اولیه اسلام و نظام اعتقادی مسلمانان هستند (Cook, "Understanding Jihad", ۲۰۰۵, p:۳-۶).
and spiritual perspective on terrorism", p:۵۹۰

از سوی دیگر کوک، با برداشتی ناصحیح از آیات و منابع حدیثی و با تمرکز بر وقایع تاریخی، اهداف جهاد را موعودگرایی، افزایش تعداد پیروان و کنترل قلمرو ذکر می‌کند و با استناد به آیه ۲۹ سوره



توبه، غلبه بر غیر مسلمانان را به‌مثابه یکی دیگر از اهداف جهاد برمی‌شمرد. افزون بر این، وی معتقد است که از دیگر اهداف «جهاد»، گسترش اسلام و تغییر آیین است و برخی آیات قرآن همچون بقره/۶۲، مائده/۶۹ و حج/۱۷ و روایتی از پیامبر بدین مضمون که «خدا به من فرمان داده با مردم بجنگم تا بگویند خدایی جز الله نیست و پس از اظهار این شهادت، مال و جانشان محفوظ است.» دال بر ارتباطی تنگاتنگ بین جنگ و تغییر آیین و ادامه جنگ تا زمان تغییر دین است (Cook, "Understanding Jihad", ۲۰۰۵, p:۲۵).

بنا بر نقلی کوک، منافع اقتصادی نیز یکی دیگر از مقاصد جهاد است؛ چراکه در ادبیات دینی مرتبط با جهاد، اهداف اقتصادی در گرایش مسلمانان نخستین به‌سوی جنگ بسیار آشکار است و احادیث فراوانی درباره غنائم و بردگان در منابع روایی آمده است. باین حال وی به این نکته نیز اشاره می‌کند که در برخی روایات، محرک‌های پست، همچون غنائم و کنیزکان با توجه به اهداف معنوی جهاد کنار گذاشته شده‌اند (Ibid).

دیوید کوک، با ذکر معنای جنگ و اهدافی این چنین برای جهاد به‌سوی بررسی آیات جهاد در قرآن گام برمی‌دارد و با تکیه بر چنین رویکردی یادآور می‌شود که به‌طورکلی جهاد در قرآن به معنای تلاش (حج/۷۸)، تبلیغ مذهبی (فرقان/۵۲) و خشونت و جنگ (انفال/۷۲؛ توبه/۶۶-۲۰-۵؛ نساء/۹۵) آمده است. وی بر این نکته تأکید می‌ورزد که اگرچه تمامی آیات مربوط به جهاد به معنای جنگ نیست؛ اما به لحاظ پیچیدگی معنای اصلی و مبهم بودن فعالیت‌های ذکر شده، بهترین ترجمه برای فعل «جهاد» جنگیدن است و قرآن حامی جنگ است (Ibid, p:۳۵).

کوک، برای اثبات مدعای خود وارد نظریه نسخ می‌شود و آیات ۱۱۱ و ۵ سوره توبه را ناسخ دیگر آیات جهاد و صلح معرفی می‌کند و این‌گونه نظرگاه خود را در خصوص ماهیت جنگ طلبانه «جهاد»، با قرآن مدلل می‌سازد. او معتقد است: با دو آیه مذکور این نتیجه حاصل می‌گردد که منظور از جهاد جنگ است؛ زیرا آیه ۱۱۱ سوره توبه جهاد را به‌عنوان جنگی معنوی معرفی می‌کند و بیانگر قراردادی نجات‌بخش بین خداوند و مسلمانان است که سبب نسخ دیگر آیات می‌شود. زندگی مسلمانان، مال و دارایی‌شان به خدا داده می‌شود و در عوض بهشت برای آن‌ها تضمین می‌گردد. از سوی دیگر به اعتقاد او سوره توبه بیانگر لغو مصونیت و فرمان جنگ با قبایلی است که پیش از نزول این آیه مسلمان نشده‌اند و آیه پنجم آن ناسخ تمامی آیات صلح و عفو است (Ibid, p:۱۰).

دو. خاستگاه نگاه آخرالزمانی مسلمانان از منظر کوک

کوک، اظهار می‌دارد که اسلام به‌عنوان یک جنبش آخرالزمانی آغاز شده و تاکنون نیز روند آخرالزمانی خود را حفظ کرده است و نوشته‌های آخرالزمانی مسلمانان بیانگر یک جدول زمانی از وقایع خوفناک و هراس‌انگیز تا پایان جهان است (Cook, "Anti-Semitic Themes in Muslim Apocalyptic (and Jihadi Literature, Post-Holocaust and Anti-Semitism", ۲۰۰۷, p:۳). وی در این روال، قرآن و روایات را به‌مثابه دو منبع مستحکم و سازنده زیربنای اعتقادی مسلمانان در زمینه مسائل آخرالزمان برمی‌شمرد.

الف. قرآن

دیوید کوک، قرآن را اولین خاستگاه ایدئولوژی نزدیک بودن پایان دنیا می‌داند و در این باره متذکر می‌شود:

اگرچه قرآن محرکی کافی برای برپایی جنگ‌های عظیم نیست؛ اما بسیاری از آیات قرآن با نگاه آخرالزمانی نگاه شده است و در آن تأکید می‌شود که علم آینده فقط نزد خداوند است (لقمان/۳۴؛ احزاب/۶۳)؛ قیامت نزدیک است (شوری/۱۷؛ قمر/۱)؛ و تردیدی در وقوع آن وجود ندارد (حج/۷؛ جاثیه/۳۲)؛ و این واقعه، ناگهانی و یک‌باره (یوسف/۱۰۷؛ زخرف/۶۶) رخ خواهد داد (Cook, "Understanding Jihad", ۲۰۰۵, p:۲۳).

ب. روایات

کوک، روایات و خصوصاً پیش‌بینی‌های آخرالزمانی را تکمیل‌کننده باورهای قرآنی می‌داند و بر این اعتقاد است که معمولاً در روایات «جهاد»، پایان جهان ذکر می‌شود تا مسائل دنیوی و تعلقیات انسانی سست گردد و یا به‌طورکلی از بین برود؛ زیرا بدون این تاریخ‌گذاری نهایی در ذهن مجاهد، امکان جدایی از خانه، خانواده و دارایی‌ها وجود نخواهد داشت. همچنین در روایات، ارتباطی مستحکم بین فرایند جنگیدن و پایان قریب‌الوقوع جهان وجود دارد و حتی می‌توان گفت: عامل ادامه فتوحات اعتقاد قوی به پایان جهان است (Ibid). وی با اتخاذ این نگرش، روایتی را شالوده‌دیدگاه خویش قرار می‌دهد که گروه‌های افراط‌گرا و تکفیری جهادی در تطبیق عملکرد خود با نصوص شرعی مورد استناد قرار می‌دهند و گسترش اسلام را تنها در سایه شمشیر می‌بینند. در این حدیث آمده است:



«بُعِثْتُ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ بِالسَّيْفِ، حَتَّى يُعْبَدَ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَجُعِلَ رِزْقِي تَحْتَ ظِلِّ رُمْحِي، وَجُعِلَ الذُّلُّ وَالصَّغَارُ عَلَيَّ مَنْ خَالَفَ أَمْرِي، وَمَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» [آگاه باشید که] من پیش از قیامت با شمشیر مبعوث شده‌ام تا خداوند یگانه که او را شریکی نیست، بپرستید. روزی من در زیر سایه نیزه‌ام قرار گرفته است و آنکه از دستورات من سرپیچی کند، خواری و زبونی نصیبش خواهد شد. هر که خود را به مردمانی همانند سازد از ایشان شمرده شود.»

از نظر کوک، این روایت یکی از کاربردی‌ترین روایات صدر اسلام و اصلی‌ترین عامل فتوحات است که بیانگر ذهنیت مبارزان و فوریت شدید برای نبرد در یک محدوده زمانی خاص (قبل از فرارسیدن قیامت) است (Cook, "Fighting to Create the Just State, Apocalypticism in Radical Muslim Discourse", In *The*, "Just Wars, Holy Wars, and Jihads: Christian, Jewish, and Muslim Encounters and Exchanges" ۲۰۱۲, p:۳۶۸). وی در تحلیل روایت مذکور می‌نویسد:

در این روایت پیامبر ﷺ این‌گونه به تصویر کشیده می‌شود که وی از طرف خداوند با شمشیر و نیزه، درست قبل از قیامت فرستاده شده است. این روایت به‌صراحت بیانگر روشی است که از طریق آن وحی جدید به جهانیان ابلاغ می‌گردد. همچنین به مؤمنین وعده پیروزی داده می‌شود؛ زیرا خداوند قبلاً حمایت خود را از جبهه مسلمانان و سرکوبی مخالفان اسلام صادر کرده است. علاوه بر این در صدر اسلام، جنگ نه‌تنها روشی برای اعلام اسلام، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن فرد به رستگاری بود. از طرف دیگر توصیف پیامبری با نیزه و شمشیر، کارایی نجات‌بخش سلاح را روشن می‌سازد؛ زیرا فقط حاملان اسلحه می‌توانند انتظار ورود به بهشت را داشته باشند (Cook, "Fighting to Create the Just State, Apocalypticism in Radical Muslim Discourse", In *The*, "Just Wars, Holy Wars, and Jihads: Christian, Jewish, and Muslim Encounters and Exchanges" ۲۰۱۲, p:۳۶۸; Cook, "The Beginnings of Islam as an (Apocalyptic Movement)", ۲۰۰۱, p:۷).

کوک با الهام از دیدگاه پاتریشا کرونه (Patricia Crone) استاد تاریخ اسلام، رسالت پیامبر ﷺ را پیش از پایان جهان، تغییر اساسی جوامع با شمشیر بیان می‌کند و بر این اساس می‌گوید: محمد ﷺ به‌عنوان پیامبر، روز رستاخیز معرفی می‌شود که پیش از پایان جهان فرستاده شده است تا افرادی که نصیحت می‌پذیرند را انداز و افرادی که پذیرا نیستند را مجازات نماید (Cook, "Understanding Jihad", ۲۰۰۵, p:۲۳).

در مجموع کوک با استناد به برخی روایات و آیات اثبات می‌کند که پیامبر ﷺ با تلقین این باور که

قیامت در آینده‌ای نزدیک به وقوع خواهد پیوست و جهاد به خاطر ماهیت مقدس مبارزه، از حمایت الهی بهره می‌برد و نیز این امر که خداوند به صورت همه‌جانبه مسلمانان را تحت کنف حمایت و عنایت خویش قرار می‌دهد، ایشان را برای حضور در جنگ آماده می‌سازد تا هدف بعثت خویش را به منصه ظهور برساند.

سه. وجود ارتباط ناگسستنی بین آموزه «جهاد» و «آخرالزمان»

کوک، با توجه با تحقیقاتی که در خصوص مسائل آخرالزمان و جهاد انجام داده، به دنبال ایجاد ارتباط بین این دو مقوله است و بنا بر باور وی جهاد نقش اساسی در ادبیات آخرالزمانی مسلمانان دارد؛ زیرا حیات مسلمانان صدر اسلام تحت الشعاع جنگیدن و فتوحات بوده است. از این رو، دیدگاه مسلمانان نسبت به پایان جهان و آمدن موعود با جنگ تلفیق شده است، به این صورت که با آمدن منجی موعود، فتوحات نیمه‌کاره در دوران ابتدایی اسلام کامل خواهد شد (Cook, "Understanding Jihad", ۲۰۰۵, p:۲۴). افزون بر این، کوک عامل فتح مناطق گسترده‌ای از جهان را جنگ و جهاد می‌داند که به آرمان‌های آخرالزمانی مسلمانان بسیار نزدیک است (Cook, "The Beginnings of Islam as an Apocalyptic Movement", ۲۰۰۱, p:۴).

در حقیقت کوک با پیش فرض معنای جنگ برای «جهاد»، فتوحات مسلمانان را در سده‌های نخست اسلامی جهاد می‌نامد که ارتباط تنگاتنگی با باورهای آخرالزمانی و موعودگرایی دارد؛ بنابراین وی با تکیه بر این برداشت، به دنبال عامل آغازگر جنگ‌ها می‌گردد که با تورق در صفحات تاریخ و گذری بر آیات و روایات به این نتیجه می‌رسد که برخلاف ادعای مسلمانان، ایمان مطلق و وحدت بین آن‌ها برای شروع جهاد کافی نیست و باید برای این معادله عامل سوم نیز وجود داشته باشد. این عامل عبارت است از ضرورت فتح جهان قبل از فرارسیدن قیامت؛ زیرا مسلمانان با توجه به آموزه‌های قرآنی و روایی، فتح جهان را امر و فرمان الهی می‌دانند. همچنین خداوند به مسلمانان وعده موفقیت و تاج‌گذاری در جهان را داده و آن‌ها نیز باید ایمان خود را با سلطه بر جهان و احیای برتری خدادادی مسلمانان ثابت کنند (Cook, "Islam and Apocalyptic", ۲۰۰۰, p:۳).

در اندیشه او اعتقاد به پایان قریب الوقوع، سبب تغییر مردم جهان می‌شود و ایمان به حمایت خداوند به آن‌ها قدرت و نیروی اعتقادی، هدفی مشخص و انگیزه برای برتر بودن می‌دهد. این سه مؤلفه؛ یعنی قدرت اعتقادی، هدف و انگیزه، در یک بسته آخرالزمانی قرار دارند که برای غلبه و تسلط بر جهان و انجام فتوحات مورد استفاده قرار می‌گیرد (Ibid, p:۱).



در راستای این باور، کوک سبب ادامه فتوحات را نیز با وجود مشکلات فراوان، اعتقاد به «نزدیک بودن قیامت» بیان می‌کند:

فتوحات مسلمانان از سده هفتم تا نهم به هیچ‌وجه پیروزی‌های آسانی نبود. آن‌ها با موانع و مشکلات فراوانی مانند مرزهای طبیعی، بیابان‌های صعب‌العبور و نهرهای عظیم روبرو بودند و در مواردی هم با شکست مواجهه شدند. مسلمانان پس از یک سده جنگیدن، از کمبود شدید نیروی انسانی رنج می‌بردند، با این‌همه فتوحات به خاطر اعتقاد محکم به «پایان قریب‌الوقوع جهان» ادامه یافت و بدون این باور کسب انرژی لازم برای مبارزان امکان‌پذیر نبود؛ زیرا اعتقاد بر این بود که قبل از پایان جهان فقط زمان محدودی وجود دارد که باید جنگید و فتح نمود (Cook, "Fighting to Create the Just State, Apocalypticism in Radical Muslim Discourse", In *The, "Just Wars, Holy Wars, and Jihads: Christian, Jewish, and Muslim Encounters and Exchanges"* ۲۰۱۲, p:۳۶۸; Cook, "Understanding Jihad", ۲۰۰۵, p:۲۲).

از دیدگاه کوک، جهاد به‌طور تفکیک‌ناپذیری با باور آخرالزمانی درهم‌تنیده شده است؛ زیرا هر دو به دنبال ایجاد یک جامعه ایدئال و عادلانه هستند و برای رسیدن به هدف می‌جنگند. با این حال بنا بر نظرگاه کوک، تفاوت‌هایی نیز بین این دو مقوله وجود دارد. یکی از تفاوت‌هایی که از آن یاد می‌شود، این است که در باور آخرالزمانی «جبرگرایی» وجود دارد؛ زیرا اگر خداوند مشخص کرده که چه زمانی و چگونه آخرالزمان اتفاق خواهد افتاد، عمل انسان برای تحقق و یا انتظار آن می‌تواند خلاف اراده و برنامه خداوند باشد. از نظر او این عقیده با نگرش فعالانه جهاد تضاد دارد؛ زیرا اگرچه خداوند در «جهاد»، پیروزی مسلمانان را تضمین کرده؛ اما فضای بیشتری برای عملکرد انسان در تعیین نحوه دستیابی به آن پیروزی وجود دارد (Cook, "Fighting to Create the Just State, Apocalypticism in Radical Muslim Discourse", In *The, "Just Wars, Holy Wars, and Jihads: Christian, Jewish, and Muslim Encounters and Exchanges"* ۲۰۱۲, p:۳۶۹).

همچنین وی با تکیه بر یک تحلیل تاریخی استنباط می‌کند که از زمان پیامبر ﷺ تا به امروز هدف مسلمانان، مواجهه با هرگونه فساد و ایجاد یک جامعه عادلانه تحت رهبری منجی موعود بوده است. از سوی دیگر، با فتوحات و حس پیروزی ابدی که خداوند به جامعه مسلمانان اعطا نموده، تبدیل و تحول اجتماعی امکان‌پذیر گردیده است (Ibid). افزون بر این باید در نظر داشت که نگاه آخرالزمانی بدون آخرالزمان اخلاقی (Moral apocalypse) کامل نمی‌شود؛ زیرا در آخرالزمان اخلاقی نحوه ایجاد جامعه

ایدئال ترسیم می‌گردد و از آنجاکه جامعه ایدئال مسلمانان برخلاف جامعه کنونی است، ابزار آخرالزمان اخلاقی، اسلحه‌ای است تا از طریق آن منجی موعود خواسته‌های خود را در جامعه اعمال کند. همچنین باور آخرالزمانی افراد را متقاعد می‌سازد که آن‌ها در دوره پایان دنیا قرار گرفته‌اند، دوره‌ای که نماد تمام شرارت‌ها و مفسدگی است که بشریت می‌تواند از خود بروز دهد (Cook, "Hadith, Authority

and the End of the World: Traditions in Modern Muslim Apocalyptic Literature", ۲۰۰۲, p:۳۴)

تأمل در سخنان کوک نشان می‌دهد که وی تلاش می‌کند تا به نحوی با استناد به قرآن و روایات، ارتباط بین «جهاد»، گفتمان‌های آخرالزمانی و مسئله نزدیکی پایان دنیا را نمایان سازد؛ زیرا معتقد است، علت موفقیت و استقامت مسلمانان در جنگ‌ها و انجام فتوحات گسترده، اعتقاد آنان به نزدیک بودن پایان دنیا است (Cook, "Fighting to Create the Just State, Apocalypticism in Radical Muslim Discourse", In The, "Just Wars, Holy Wars, and Jihads: Christian, Jewish, and Muslim Encounters and Exchanges" ۲۰۱۲, ۳۶۸).

چهار. ارتباط بین آمدن منجی و گروه‌های جهادی معاصر

کوک با پیش فرض وجود ارتباط بین جهاد و آخرالزمان خاطر نشان می‌سازد که بررسی اعتقادات آخرالزمانی مسلمانان و آمدن منجی، برای فهم گروه‌های جهادی معاصر امری ضروری است؛ زیرا مسلمان آموخته‌اند که بقیه جهان را کافر بیندارند و در عصر حاضر به دنبال بازسازی اوضاع دوران پیامبر ﷺ هستند و جهاد آخرالزمانی تنها راه حل آن‌ها برای اصلاح امور است (Cook, "Islam and Apocalyptic", ۲۰۰۰, p:۱).

وی با تفتیش و تفحص در نوشتارهای آخرالزمانی مسلمانان معاصر و بررسی جنبش‌های جهادی، به نظریه‌ای مشترک میان این دو موضوع دست می‌یابد و آن را نظریه «توطئه ضد یهودی» می‌نامد که برای خبیث و شیطانی جلوه دادن یهودیان طراحی شده است. او معتقد است، این نظریه اخیراً به سراسر جهان اسلام صادر شده است؛ یعنی به سرزمین‌هایی که گرایش‌های ضد یهودی دارند و به جنبش‌های خشونت‌آمیز دامن می‌زنند (Cook, "Anti-Semitic Themes in Muslim Apocalyptic and Jihadi Literature, Post-Holocaust and Anti-Semitism", ۲۰۰۷, p:۱).

بنا بر گزارش کوک، خاستگاه این توطئه، یهودی‌ستیزی است؛ زیرا مسلمانان، یهودیان را به‌عنوان یک نیروی شیطانی توصیف می‌نمایند که به دنبال نوعی توطئه ریشه‌دار جهانی و تاریخی به‌منظور تسلط بر جهان و تغییر آن می‌باشند. از این رو تصریح می‌دارد:



طبق اعتقادات آخرالزمانی مسلمانان، دجال و پیروانش یهودی هستند و یهودیان می‌کوشند اسلام و به‌طورکلی دین را از بین ببرند و اعتقاد به الحاد را بر جهانیان تحمیل نمایند. این ماهیت جهانی تهدید دجال سبب شده است که مسلمانان از یک‌سو، مسیحیان را متقاعد نمایند تا به این پیمان مهم علیه یهود بپیوندند و از سوی دیگر این باور را در میان خود تقویت کنند که یهودیان دارای قدرتی شیطانی برای نفوذ بین مردم هستند و در تلاش‌اند تا به شکلی اساسی به اسلام آسیب برسانند یا آن را تحریف کنند. به‌عنوان مثال، در دهه ۱۹۷۰ آیت‌الله خمینی اظهار داشت که یهودیان با حذف همه آیات مربوط به یهودیان یا جدال ضد یهود در تلاش‌اند تا قرآن را تغییر دهند (Ibid, p:۲).

از دیگر مواردی که دیوید کوک بدان اذعان دارد، نقش چنین باورهایی در ذهن افراد و در تفکیک ایمان و کفر توسط تشکیلات جهادی است که خود عامل واکنشی بی‌درنگ و گسترده خواهد بود. وی بر این باور است که نفرت از یهودیان و اعتقاد به شرارت بنیادین آن‌ها در طول تاریخ و در دوران معاصر همچون حلقه محکمی است که این گروه‌ها را در کنار هم نگه می‌دارد. افزون بر این، نفرت ایجاد شده خود ابزاری قدرتمند برای جذب افراد مسلمان تعهدگرایز و غیرمسلمان یهودی‌ستیز همچون روزه‌گارودی (Roger Garaudy) فرانسوی و عبدالعزیز میات (Abdul Aziz Mayatt) رهبر حزب نازی انگلیس است که با انگیزه یهودستیزی اسلام را پذیرفتند (Ibid, p:۶).

۲. تحلیل و بررسی

چنانکه اشاره شد کوک با انجام مطالعات و پژوهش‌های گسترده در حیطه «جهاد» و «آخرالزمان» به دنبال ایجاد ارتباط بین این دو موضوع است؛ اما برخی از نظرگاه‌های وی در خصوص این ارتباط مستلزم تأمل بیشتری است. مطالعه و بررسی سخنان کوک نشان می‌دهد که عمده‌ترین اشکالات وارد بر استدلال‌ها و استنتاج‌های وی به‌قرار زیر است:

یک. برداشتی ناصحیح از آموزه جهاد در اسلام

کوک با وجود این‌که سه معنای قرآنی برای واژه جهاد در نظر می‌گیرد؛ اما با تصریح به مترادف معنایی جنگ و جهاد و محدودسازی شمول معنایی و مصداقی جهاد و نیز با اتخاذ رویکردی تاریخی، دو معنای تلاش و جهاد فرهنگی را کنار می‌نهد. به تعبیری دیگر وی از گستره مفهومی آموزه جهاد می‌کاهد و آن را به‌سوی مبارزات نظامی و خشونت سوق می‌دهد و از دیگر ابعاد جهاد چشم‌پوشی می‌نماید. باین‌همه می‌دانیم که جهاد در قرآن به جهاد نظامی محدود نمی‌شود و هرگونه تلاش در تمام

ابعاد زندگی - مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی - برای رسیدن به یک هدف متعالی در راه پیشبرد اهداف اسلام، «جهاد فی سبیل الله» محسوب می‌گردد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰ ق: ۴۱۱/۱۴؛ جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۹۳ ش: ۱۱۶/۳۳؛ Bonner, ۲۰۱۴, p:۴. Ssenyonjo, ۲۰۰۶, p:۲۱). ("Jihad in Islamic history", ۲۰۰۶, p:۲۱).

وی با مدد جستن از محدودسازی معنای جهاد به جنگ، بافت ظهور این واژه را موقعیت و شرایط مدینه پس از هجرت پیامبر ﷺ معرفی می‌کند؛ یعنی آن وقتی که مسلمانان از قدرت نظامی بهره‌مند شده بودند. در این خصوص باید گفت که این فرضیه در صورت داشتن نگاهی هم‌زمانی به مفهوم جهاد قابل قبول است، درحالی که با رویکرد در زمانی و بررسی واژه جهاد در آیات مکی مشخص می‌شود که واژه جهاد قبل از هجرت پیامبر ﷺ با معانی دیگر کاربرد داشته است. به عبارت دیگر، در شکل‌گیری آموزه جهاد، آیات مکی را نمی‌توان نادیده گرفت؛ زیرا بررسی مفهوم جهاد در بافت‌های مختلف، بدون در نظرگرفتن آیات مکی غیرممکن است (Afsarddin, "The First Muslims: History and Memory", ۲۰۰۷, p:۱۱۱). از این رو، برای شناسایی بافت موقعیتی آن به آیات دربردارنده مفهوم جهاد نظامی نمی‌توان بسنده کرد و باید اذعان داشت که اگرچه در بافت قرآنی، جهاد شامل تلاش و مبارزه نظامی می‌شود؛ اما محدود به مفهوم جنگ نمی‌گردد (Heck, "Jihad Revisited", ۲۰۰۴, p:۹۷; Tasserion, ۲۰۰۱, p:۳۵). (EI, Jihad, ۲۰۰۱, p:۳۵).

کوک، به منظور اثبات مدعای خود مبنی بر محدودیت معنایی واژه جهاد در قرآن، با بهره‌گیری از قاعده نسخ، آیات ۵ و ۱۱۱ سوره توبه را ناسخ تمام آیات عفو و صلح می‌انگارد، درحالی که آیات جهاد ناسخ یکدیگر و نیز آیات دیگر نیستند؛ زیرا هر آیه هدف، زمان و شرایط مختص به خود را دارد و هدف متعالی قرآن ایجاد عدالت، صلح و برقراری روابط دوستانه بین افراد بشر است (Parrott, "Abrogated", ۲۰۱۸, p:۲۶). (rulings in the Qur'an: Discerning their Divine Wisdom", ۲۰۱۸, p:۲۶). علاوه بر این، آیات نسخ شده بخشی از رهنمودهای اخلاقی در قرآن هستند که جنبه اخلاقی شخصیت اسلامی را شکل می‌دهند (Ssenyonjo, "Jihad Re-Examined: Islamic Law and International Law", ۲۰۱۲, p:۱۰). آنها محال است. همچنین در صورتی می‌توانیم بگوییم آن‌ها ناسخ تمام آیات صلح هستند که خارج از بافت و سیاق در نظر گرفته شوند (Parrott, "Jihad as Defense: Just-war theory in the Quran and Sunnah", ۲۰۱۶, p:۸; Fatoohi, "Abrogation in the Qur'an and Islamic Law: A Critical Study of the Concept of 'naskh' and Its Impact", ۲۰۱۳, p:۱۱۴) (Abdel Haleem, "Qur'anic 'jihād': A Linguistic and Contextual Analysis",



۲۰۱۰، p:۱۵۲)؛ تأمل در سیاق آیه ۵ توبه و بررسی بافت و سبب نزول آن نشان می‌دهد که این آیه به‌طور مطلق فرمان کشتن کفار را نمی‌دهد، بلکه خود مقید به نقض عهد مشرکان است (ابن عربی، احکام القرآن، ۱۴۰۸: ۲/۹۰۰؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۴۱۵ ق: ۵/۲۴۵؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۱۴۰۷ ق: ۲/۲۴۷؛ بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ۱۴۱۸ ق: ۳/۷۱؛ جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۹۳ ش: ۳۳/۲۶۰؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰ ق: ۹/۱۵۰؛ Abdel Haleem, "Qur'anic jihād": A Linguistic and Contextual Analysis", ۲۰۱۰, p:۱۵۲). به بیان دیگر در این آیه خداوند وظیفه مسلمانان را در قبال مشرکانی مشخص می‌سازد که به‌هیچ‌وجه پایبند به میثاق و خواستار تغییر رویه خشونت‌آمیز و فتنه‌آلود خود نیستند و دست از توطئه‌چینی، تحریک دیگران و مخالفت علنی برنمی‌دارند؛ بنابراین نمی‌توان با استفاده از قاعده نسخ، جهاد را به جهاد نظامی محدود و منحصر کرد، بلکه این مفهوم، معنا و گستره بسیار وسیعی را در زندگی بشر در برمی‌گیرد و هدف آن نجات مستضعفان، نابودی کفر، اشاعه توحید و برقراری صلح و عدالت است.

گفتنی است، عموم مفسران متقدم و متأخر آیه ۱۱۱ را ناسخ آیات صلح نمی‌دانند. در واقع این آیه در مقام توصیف جایگاه والای مجاهدانی است که با جان و مال در راه او جهاد می‌کنند (ابن جوزی، زاد المسیر فی علم تفسیر، ۱۴۲۲: ۲/۳۰۲؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۵/۳۰۵؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰ ق: ۹/۳۹۵؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲ ش: ۵/۱۱۳؛ طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲ ق: ۱۱/۲۶). افزون بر این، جهاد مختص به جنگ نمی‌شود تا بتوان این‌گونه استدلال کرد که تنها با کشتن یا کشته شدن معامله‌ای پایاپای با خداوند امضاء می‌گردد.

با بررسی نظرات کوک مشخص می‌گردد که او با استناد به دو آیه فوق‌الذکر بر آن است تا نشان دهد، اگرچه آیات صلح و جهاد دفاعی نیز در قرآن آمده است؛ اما با این دو آیه نسخ می‌شوند. از این رو، ماهیت جهاد خشونت‌آمیز است و معنای آن به کشتن و اعمال خشونت منحصر می‌گردد. افزون بر این، خداوند برای مجاهدانی که در جبهه‌های جنگ از جان و مال خود می‌گذرند، بهشت را تضمین و با این معامله آن‌ها را تشویق به شرکت در جنگ می‌نماید. حال آنکه چنین دلالتی صحیح نیست؛ زیرا با توجه به توضیحاتی که گذشت، ناسخ دانستن آیه ۵ توبه به هیچ وجه روا نیست و نیز خداوند با پیشنهاد این معامله، فرمان به قتال نمی‌دهد و از صلح منع نمی‌کند؛ بنابراین نمی‌توان گفت که آیه ۱۱۱ توبه ناسخ

دیگر آیات است و باید توجه داشت که از خودگذشتگی و چشم‌پوشی از متاع‌های دنیوی شامل هر نوع تلاشی در راه خدا، در هر جبهه‌ای می‌شود. خلاصه کلام آن‌که جهاد کرانه‌پذیر نیست و گستره آن بسیار وسیع است و محدود به میدان جنگ نمی‌شود، بلکه جهاد ابعاد گوناگونی دارد و شامل هرگونه تلاش و از خودگذشتگی در راه خدا می‌گردد (، ۲۰۰۷، Huzen, "Islamic Jihad: Origin and Historical Approach", p:۲۱; Bonner, "Jihad in Islamic history", p:۲۱). با تعمق و بررسی نظرات کوک می‌توان گفت که او در بیان معنای قرآنی جهاد، متأثر از نگاهی تاریخی و فارغ از دیگر ابعاد این آموزه الهی اصرار می‌ورزد که جنگ با جهاد ارتباطی ناگسستگی دارد و ماهیت جنگی از آموزه جهاد جدایی‌ناپذیر است.

دو. تلقی نادرست از مفهوم آخرالزمان

کوک با تأکید بر آیاتی که خبر از وقوع قطعی قیامت در آینده‌ای نزدیک و ویژگی‌های آن می‌دهد، به این استدلال دست می‌یابد که مسلمانان با برپایی جنگ علیه دیگران درصدد به پایان رساندن جهان و تحقق بخشیدن به وقایع آخرالزمان هستند. لازم به ذکر است که آخرالزمان مفهومی نسبی است و به زمان معلوم و محدودی اختصاص نمی‌یابد. علاوه بر این معاد باوری، برپا شدن رستاخیز در آینده‌ای نزدیک و ظهور منجی در آخرالزمان از مسلمات و ضروریات اعتقادی و یک مسئله محوری در ادیان الهی است (کتاب مقدس، اصفیاء نبی، ف ۱۸/۱؛ دانیال، ف ۲۶/۹-۲۵؛ متی، ف ۳۷/۲۴-۱۴). به همین سبب، با تکیه بر مسئله موعودگرایی و آیاتی که دال بر وقوع قیامت در آینده‌ای نزدیک است، نمی‌توان این‌گونه استدلال نمود که پیام‌آور دین اسلام و پیروان وی با چنین باوری سعی در به پایان رساندن دنیا با جنگ دارند و ارتباطی ژرف میان اعتقاد به قریب‌الوقوع بودن قیامت و جهاد می‌بینند. درواقع همان‌طور که بونر می‌نویسد، باید اذعان داشت که آخرالزمان، قیامت و جهاد سه مقوله جدا از هم هستند و در اندیشه اسلامی نه‌تنها ارتباط نزدیکی بین آن‌ها وجود ندارد؛ بلکه متفاوت از یکدیگرند. افزون بر این از سده دوم هجری در منابع روایی موضوع جهاد و جنگ‌های آخرالزمان (فتن) به‌عنوان دو جستار مجزا تلقی شده است (Bonner, "Jihad in Islamic history", p:۸).

سه. نسبت دادن حاکمیت منطق زور و شمشیر در اسلام با استناد به روایتی ضعیف

کوک و برخی دیگر با تکیه بر روایتی که مشهور به «روایت سیف» است، پیامبر ﷺ را پیامبر روز رستاخیز و شمشیر؛ و اسلام را دینی جنگ‌طلب معرفی می‌کنند که در آن خشونت‌ورزی مقدم بر صلح‌طلبی است. درحالی‌که این روایت مورد اعتنای تکفیری‌های تندرو و افراط‌گرایان برای رسمیت



بخشیدن به اقدامات متجاوزانه و انتساب عملکرد وحشیانه خود به اسلام است که آن را جواز جنگ علیه غیرمسلمانان قلمداد می‌کنند (Ssenyonjo, "Jihad Re-Examined: Islamic Law and International Law", ۲۰۱۲, p: ۱۱). بنا بر آنچه گذشت، تبیین دقیق سندی و دلالتی این روایت بایسته است.

الف. ضعف سندی روایت شمشیر

با مراجعه به کتب روایی مشاهده می‌گردد که این روایت در منابع اهل سنت از سه راوی، ابن عمر، ابوهیره و انس بن مالک، به طرق و الفاظ مختلف نقل گردیده است (الزیلعی، تخريج الأحادیث والآثار الواقعة فی تفسیر الکشاف للزمخشری، ۱۴۱۴ ق: ۴/۲۲۹). این حدیث به صورت کامل به نقل از ابن عمر در مسند احمد بن حنبل آمده است و در صحیح بخاری گزیده‌ای از روایت به صورت معلق از ابن عمر بدین شکل نقل شده: «جُعِلَ رِزْقِي تَحْتَ ظِلِّ رُمْحِي، وَجُعِلَ الدُّلُّ وَالصَّعَاؤُ عَلَيَّ مَنْ خَالَفَ أَمْرِي» و در سنن ابی داوود نیز به صورت مختصر، قسمت آخر حدیث ذکر گردیده است (احمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۱۴۲۱ ق: ۹/۱۲۸؛ بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۲۲ ق: ۴/۴۰؛ ابوداوود، سنن أبی داوود، بی تا: ۴/۴۴). همچنین روایت مذکور از ابوهیره بدین گونه نقل شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَجُعِلَ رِزْقِي تَحْتَ ظِلِّ رُمْحِي، وَجُعِلَ الدُّلُّ وَالصَّعَاؤُ عَلَيَّ مَنْ خَالَفَ أَمْرِي، وَمَنْ تَشَبَهَ لِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» (البخاری، مسند البخاری، ۱۹۸۸ م: ۱۵/۲۰۴)؛ و از انس بن مالک روایت شده: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «بُعِثْتُ بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ، وَجُعِلَ رِزْقِي تَحْتَ ظِلِّ رُمْحِي، وَجُعِلَ الدُّلُّ وَالصَّعَاؤُ عَلَيَّ مَنْ خَالَفَنِي، وَمَنْ تَشَبَهَ لِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» (ابونعیم، تاریخ أصبهان، ۱۴۱۰ ق: ۱/۱۶۵).

همان طور که ملاحظه می‌شود، عبارت «بُعِثْتُ بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ بِالسَّيْفِ» فقط در مسند احمد حنبل آمده و در دیگر منابع سخنی از بعثت با شمشیر به میان نیامده است. افزون بر این، سند حدیث به خاطر برخی از ناقلان آن ضعیف و غیرقابل اعتماد است (Ssenyonjo, "Jihad Re-Examined: Islamic Law and International Law", ۲۰۱۲, p: ۱۱). هیشمی مخرج این حدیث را احمد حنبل می‌داند و از قول وی متذکر می‌شود، «عبدالرحمن بن ثابت بن ثوبان» در سلسله راویان این حدیث، ضعیف است (هیشمی، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ۱۴۱۴ ق: ۶/۴۹؛ العقیلی، الضعفاء الکبیر، ۱۴۰۴ ق: ۲/۳۲۶). همچنین زرکشی سند ابوداوود را ضعیف و الفتی این روایت را موضوع دانسته است (الفتی، تذکره الموضوعات، ۱۳۴۳ ق: ۱۹۳؛ زرکشی، اللآلی المنثورة فی الأحادیث المشهورة، ۱۴۰۶ ق: ۱۰۱). از طرف دیگر سند ابونعیم نیز به خاطر «بشر بن الحسین الاصبهانی» بسیار ضعیف اعلام شده است

(اباطین، دحض شبهات علی التوحید من سوء الفهم لثلاثة أحادیث، ۱۴۰۷ ق: ۵۶). بدین ترتیب با ارزیابی سندی، ضعف این حدیث تأیید و تقویت می‌شود.

ب. مغایرت مضامین حدیث شمشیر با قرآن و سیره پیامبر ﷺ

فارغ از ضعف سندی، تأمل در محتوای این روایت نشان می‌دهد که ادعاهای ذکر شده مبنی بر بعثت پیامبر ﷺ با شمشیر و ارتزاق ایشان از جنگ و خونریزی با آیات قرآن در تعارض است. قرآن هرگونه اجبار برای پذیرش دین را مردود اعلام می‌دارد؛ زیرا راه هدایت بسیار واضح و مبرهن است: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾ (بقره/۲۵۶)؛ و تأکید می‌کند که بر ایمان اجباری و اضطرابی فایده ای مترتب نمی‌شود. از این رو پیامبر ﷺ شدیداً از اکراه و اجبار مردم به پذیرش دین نهی می‌شود: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا فَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (یونس/۹۹)؛ به بیانی دیگر، وظیفه پیامبر ﷺ ابلاغ پیام و منطلق قرآن دعوت از طریق برهان، استدلال و جدال احسن به سوی حق و حقیقت بدون هیچ‌گونه اجبار و تحمیل است (احزاب/۴۵؛ نحل/۱۲۵؛ عنکبوت/۱۸؛ غاشیه/۲۱؛ ق/۴۵). علاوه بر این، هدف بعثت، نجات از گمراهی و ضلالت، تعلیم کتاب و معارف حقیقی، پاک‌سازی از فساد و انحراف، فراهم نمودن زمینه‌های سعادت و رساندن انسان‌ها به کمال انسانی است (جمعه/۲؛ فتح/۸) که این غایت با زور و اجبار سازگار نیست.

از سوی دیگر پیامبر ﷺ در قرآن، مظهر رحمت و رأفت الهی برای جهانیان و برخوردار از خلق عظیم به تصویر کشیده می‌شوند (انبیاء/۱۰۷؛ قلم/۴)؛ و شخص پیامبر نیز خود را «رَحْمَةً مُّهْدَاةً»؛ «رحمت هدیه شده برای تمام هستی» معرفی می‌نمایند (حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵ ق: ۳/۴۶۶). در مجموع مشاهده می‌گردد که هیچ‌یک از آیات قرآن و روایات صحیح دلالت بر بعثت پیامبر ﷺ با شمشیر ندارد و قرآن هم در سور مکی و هم مدنی تصریح می‌کند که ایشان برای هدایت به سوی دین حق، انذار و بشارت مردم، موعظه نمودن آنان و رحمتی برای همگان فرستاده شده است (Ibid).

تاریخ و سیره پیامبر ﷺ نیز مؤید این امر است، از باب نمونه ایشان همواره به اصحاب خود سفارش می‌کردند، از طریق حجت و برهان مردم را به سوی اسلام و یگانگی خداوند دعوت کنند، نه زور و شمشیر (ابن حیون، دعائم الإسلام، ۱۳۸۵/۱/۳۶۹). افزون بر این هیچ‌یک از جنگ‌های پیامبر ﷺ به منظور گسترش اسلام و تحمیل دین اسلام صورت نگرفته و در تمام موارد، پیمان‌شکنی، تعدی و فتنه‌انگیزی برای نابودی دین اسلام آغازگر جنگ بوده است. چنانکه حتی در زمان فتح مکه که ایشان در



اوج قدرت بودند و می توانستند دشمنان را از دم شمشیر بگذرانند، رأفت و گذشت را سرلوحه رفتار خویش قرار دادند (واقدی، مغازی، ۱۴۰۹: ۸۵۳/۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۰۶/۲۱).

نتیجه

با مطالعه آرای کوک می توان این گونه نتیجه گرفت که بیشتر نظریات وی نشأت گرفته از نگاه تاریخی، اتخاذ پیش فرض هایی نادرست و تأثیرپذیری از فضای ناصواب عقیدتی در عصر حاضر است؛ بنابراین وی با چنین رویکردی آموزه جهاد را به سوی مبارزات نظامی و خشونت سوق می دهد و آن را نماد جنگ و سلطه طلبی، عامل خشونت و گسترش اسلام معرفی می کند. با این حال باید گفت که بی تردید پیامبر اسلام با وجود آنکه در محیط و موقعیتی خشونت خیز مبعوث شده است؛ اما همواره تلاش داشته است تا از خشونت افسارگسیخته در زمان و زمین حیات خود ممانعت کند و بر آن لگام زند. همچنین کوک باور آخرالزمانی و لزوم فتح جهان قبل از فرارسیدن قیامت را عامل تقویت و هدایت گر جنگ ها می داند.

دیوید کوک جهت نیل به مقصود، با نادیده انگاشتن سیره نبوی از یک سو و استفاده از قاعده نسخ از سوی دیگر، سایر آیات و رهنمودهای الهی را برای همزیستی مسالمت آمیز رها می کند و با نوعی افراط و توسعه در مفهوم نسخ، پیش فرض های خود را مستند می سازد؛ بنابراین، در تأکید و تحدید مفهوم جهاد به معنای جهاد نظامی و ارتباط عمیق آن با نگاه آخرالزمانی با نظرگاه کوک نمی توان همراه و همدل شد. یک مطالعه دقیق و همه جانبه آشکار می سازد که مفاهیم جهاد و آخرالزمان، معنا و گستره بسیار وسیعی را در برمی گیرند و آیات جهاد به هیچ روی دال بر خشونت طلبی قرآن و تحمیل اسلام بر افراد بشر نیست. بر این اساس، ارتباطی بین موعودگرایی، آخرالزمان و جهاد وجود ندارد و تلاش کوک برای برقراری این ارتباط بی ثمر است؛ زیرا تحمیل دین و منطق زور و شمشیر از نظر تعالیم بنیادین و نظام عقیدتی قرآن محکوم و خلاف صریح بسیاری از روایات است. اهداف اسلام، دعوت جهانیان به صلح و زندگی مسالمت آمیز و دوری از جنگ، خونریزی و فتنه انگیزی است و باور به معاد، قیامت و به پایان رسیدن دنیا، انگیزه ای برای به فعلیت رساندن چنین اهدافی است، نه آنکه جنگ و خونریزی خود موضوعیت داشته باشد. از این رو مدعای کوک با دستورات و فرامین قرآنی تطابق ندارد.

افزون بر این، تمرکز کوک بر واقعیت های تاریخی و تأثیرپذیری از اقدامات غیرانسانی مسلمان های رادیکال و جهادی معاصر، رویکرد وی را گزینشی کرده است. به تعبیری دیگر وی از یک سو آیات صلح

و عفو را یکسره نادیده انگاشته است و از سوی دیگر در باب آیات مرتبط با جهاد نیز بی آنکه موقعیت تاریخی آیات را لحاظ کند، بر مفهوم جهاد نظامی متمرکز شده است. همچنین آیات مرتبط به وقوع قیامت در آینده ای نزدیک را با مسئله آخرالزمان خلط کرده و در بررسی روایی مبحث آخرالزمان دست بر روی روایاتی ضعیف و متعارض با قرآن می گذارد که مورد استناد گروه های تکفیری است که در پوشش دین به تخریب اسلام می پردازند. روشن است که با چنین رویکردی راهی برای فهم مقصود حقیقی آیات قرآن و آموزه های اسلامی وجود ندارد.



منابع

۱. ترجمه قرآن کریم، رضایی اصفهانی، محمدعلی، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم: ۱۳۸۳ ش.
۲. ابابطين، عبدالله بن عبد الرحمن، دحض شبهات على التوحيد من سوء الفهم لثلاثة أحاديث، دارالعاصمة، رياض: چاپ دوم، ۱۴۰۷ ق.
۳. ابن حيون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، موسسه آل البيت عليهم السلام، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي، زاد المسير في علم تفسير، دارالكتاب العربي، بيروت: ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن عربي، محمد بن عبدالله، احكام القرآن، دارالجيل، بيروت: ۱۴۰۸ ق.
۶. أبوداود، سليمان بن الأشعث، سنن أبي داود، المكتبة العصرية، بيروت: بی تا.
۷. أبونعيم، أحمد بن عبد الله، تاريخ أصبهان، دار الكتب العلمية، بيروت: ۱۴۱۰ ق.
۸. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم و السبع المثانی، دار الكتب العلمية، بيروت: ۱۴۱۵ ق.
۹. بخاری، محمد بن إسماعيل، صحيح البخاری، دار طوق النجاة، بيروت: ۱۴۲۲ ق.
۱۰. بزار، أبو بكر، مسند البزار، مكتبة العلوم والحكم، مدینه: ۱۹۸۸ م.
۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل و أسرار التأويل، دار إحياء التراث العربي، بيروت: ۱۴۱۸ ق.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم: ۱۳۹۳ ش.
۱۳. حنبل، ابوعبدالله احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، الرساله، بيروت: ۱۴۲۱ ق.
۱۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم: ۱۴۱۵ ق.
۱۵. زركشي، أبو عبدالله بدر الدين، اللآلئ المنثورة فی الأحاديث المشهورة، دار الكتب العلمية، بيروت: ۱۴۰۶ ق.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فی وجوه التأويل، دارالكتاب العربي، بيروت: چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.

١٧. زيلعى، جمال الدين، تخريج الأحاديث والآثار الواقعة فى تفسير الكشاف للزمخشري، دار ابن خزيمة، رياض: ١٤١٤ ق.
١٨. طباطبائي، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بيروت: چاپ دوم، ١٣٩٠ ق.
١٩. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، ناصر خسرو، تهران: چاپ سوم، ١٣٧٢ ش.
٢٠. طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٢ ق.
٢١. طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا.
٢٢. العقيلي، أبو جعفر محمد بن عمرو، الضعفاء الكبير، دار المكتبة العلميه، بيروت: ١٤٠٤ ق.
٢٣. الفتى، محمد طاهر بن على، تذكرة الموضوعات، اداره الطباعة المنيريه، قاهره: ١٣٤٣ ق.
٢٤. كتاب مقدس (عهد عتيق و عهد جديد)، بى نا، ايلام، ٢٠٠٥ م.
٢٥. مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، دار احياء التراث العربى، بيروت: چاپ دوم، ١٤٠٣ ق.
٢٦. واقدى، محمد بن عمر، مغازى، دار الأعلمی، بيروت: چاپ سوم، ١٤٠٩ ق.
٢٧. هيثمى، أبو الحسن نور الدين، مجمع الزوائد ومنيع الفوائد، مكتبة القدسى، قاهره: ١٤١٤ ق.



Resources

- ۱- The Holy Quran
- ۲- Aba Bateen, Abdullah bin Abdul Rahman, Dahdh Shubahat ala al-Tawhid min Su'i al-Fahm li Thalathah Ahadith [The Refutation of Doubts about Monotheism from the Misunderstanding of Three Hadiths], Dar al-A'simah, Riydh: ۳rd Edition, ۱۴۰۷ AH.
- ۳- Abdel Haleem, Muhammad, "Qur'anic 'Jihād': A Linguistic and Contextual Analysis", Edinburgh: Journal of Qur'anic Studies, Vol. ۱۲, (۲۰۱۰)
- ۴- Abu Dawud, Sulayman bin al-Ash'ath, Sunan Abi Dawood, Al Maktabah al-Asriyyah, Beirut: n.d.
- ۵- Abu Na'eem, Ahmad bin Abdullah, History of Esfahan, Dar Al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱st Edition, ۱۴۱۰ AH.
- ۶- Afsarddin, Asma, "The First Muslims: History and Memory", England: One world Publications, (۲۰۰۷).
- ۷- Al-Fittani, Muhammad Tahir bin Ali, Tazkirah al-Mawdhua't [Dicourse on the Forged Narrations], Al-Muniriyyah Printing Press, Cairo: ۱۳۴۳AH.
- ۸- Alusi, Mahmud bin Abdullah, Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm wa al-Sab' al-Mathani [The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an and Surah al-Hamd], Dar Al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۱۵ AH.
- ۹- Aqeeli, Abu Ja'far Muhammad bin Amr, Al-Dhu'afa' al-Kabir [The Very Weak Narrations], Dar al-Maktabah al-Ilamiyyah, Beirut: ۱st Edition, ۱۴۰۴ AH.
- ۱۰- Baydawi, Abdullah bin Omar, Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil [The Lights of Revelation and the Secrets of Hermeneutic], Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۱۸ AH.

- ۱۱- Bazzar, Abu Bakr, Musnad al-Bazzar, Maktab al-U'lum & al-Hikam, Medina: ۱st Edition, ۱۹۸۸.
- ۱۲- Bible (Old Testament and New Testament), n.p. Ilam: ۲۰۰۵.
- ۱۳- Bonner, Michael, "Jihad in Islamic History", New Jersey: Princeton University Press, First Edition, (۲۰۰۶).
- ۱۴- Bukhari, Muhammad bin Ismail, Sahih al-Bukhari, Dar Tawq al-Najat, Beirut: ۱st Edition, ۱۴۲۲ AH.
- ۱۵- Cook, David "Fighting to Create the Just State, Apocalypticism in Radical Muslim Discourse", In The, "Just Wars, Holy Wars, and Jihads: Christian, Jewish, and Muslim Encounters and Exchanges" Sohail H. Hashmi, Oxford: Oxford University, Press, (۲۰۱۲).
- ۱۶- Cook, David "Religious and Spiritual Perspective on Terrorism", in The SAGE Encyclopedia of Terrorism, California: California State University, Dominguez Hills, Second Edition, (۲۰۱۱).
- ۱۷- Cook, David "Understanding Jihad", London: University of California Press, First Edition, (۲۰۰۵).
- ۱۸- Cook, David, "Anti-Semitic Themes in Muslim Apocalyptic and Jihadi Literature, Post-Holocaust and Anti-Semitism", Jerusalem Center for Public Affairs, (۲۰۰۷).
- ۱۹- Cook, David, "Hadith, Authority and the End of the World: Traditions in Modern Muslim Apocalyptic Literature", Oriente Moderno, ۸۲, no. ۱, (۲۰۰۲).
- ۲۰- Cook, David, "Islam and Apocalyptic", the Center for Millennial Studies (CMS), (۲۰۰۰).
- ۲۱- Cook, David, "The Beginnings of Islam as an Apocalyptic Movement", Chicago: University of Chicago, The Center for Millennial Studies (CMS), (۲۰۰۱).



- ۲۲- Fatoohi, Louay, “Abrogation in the Qur’an and Islamic Law: A Critical Study of the Concept of “Naskh” and Its Impact”, New York: Routledge, First Edition, (۲۰۱۳).
- ۲۳- Hanbal, Abu Abdullah Ahmad bin Muhammad, Musnad of Imam Ahmad Ibn Hanbal, Al-Risalah al-Taba’h, Beirut: ۱st Edition, ۱۴۲۱ AH.
- ۲۴- Haythami, Abu al-Hassan Nur al-Din, Majma’ al-Zawaid & Manba’ al-Fawaid [The Collection of Remaining Unique Narrations and Sources of Benefits], Al-Maktabah al-Qudsi, Cairo: ۱۴۱۴ AH.
- ۲۵- Heck, Paul.L, “Jihad Revisited”, in the Journal of Religious Ethics”, Blackwell Publishing Ltd Vol. ۳۲, (۲۰۰۴).
- ۲۶- Howayzi, Abdul Ali bin Juma’h, Tafsir Noor al- Thaqaalayn, Ismailian, Qom: ۱۴۱۵ AH.
- ۲۷- Huzen, Kent Bob, “Islamic Jihad: Origin and Historical Approach”, Canterbury: University of Canterbury, (۲۰۰۷).
- ۲۸- Ibn Arabi, Muhammad bin Abdullah, Ahkam al-Quran [The Rules of Quran], Dar al-Jayl, Beirut: ۱۴۰۸ AH.
- ۲۹- Ibn Hayyun, Nu’mān bin Muhammad, Daaim Al-Islam, Alul Bayt Institute, Qom: ۲nd Edition, ۱۳۸۵ AH.
- ۳۰- Ibn Jawzi, Abdul Rahman Ibn Ali, Zad al-Masir fi ‘Ilm al-Tafsir [The Provision of the Sciences of Exegesis], Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: ۱۴۲۲ AH.
- ۳۱- Javadi Amoli, Abdullah, Tasnim Exegesis, Esra Publishing Center, Qom: ۲۰۱۴.
- ۳۲- Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar [The Oceans of Lights], Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۲nd Edition, ۱۴۰۳ AH.
- ۳۳- Parrott, Justin, “Abrogated Rulings in the Qur’an: Discerning Their Divine Wisdom”, Yaqeen Institute for Islamic Research, (۲۰۱۸).

- ۳۴- Parrott, Justin,
“Jihad as Defense: Just-war theory in the Quran and Sunnah”, Yaqeen
Institute for Islamic Research, (۲۰۱۶).
- ۳۵- Ssenyonjo, Manisuli, “Jihad Re-Examined: Islamic Law and
International Law”, Santa Clara: Santa Clara university, (۲۰۱۲).
- ۳۶- Tabari, Muhammad bin Jarir, Jame' al-Bayan an Tafsir al-Quran [A
Comprehensive Statement in the Exegesis of Quran], Dar al-Ma'rifah,
Beirut: ۱۴۱۲.
- ۳۷- Tabarsi, Fadhl bin Hassan, Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran [A
Collection of Expressions Concerning the Interpretation of Quran], Nasser
Khosrow, Tehran: ۳rd Edition, ۱۹۹۳.
- ۳۸- Tabatabai, Muhammad Hossein, Al-Mizan fir Tafsir al-Quran,
Muassasah al-A'lami lil Matbu'at, Beirut: ۲nd Edition, ۱۳۹۰ AH.
- ۳۹- Tasseron, Ella Landau, “Jihad” in the Encyclopedia of the Quran”, Brill
Publishers, (۲۰۰۱).
- ۴۰- Tusi, Muhammad bin Hassan, Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran [A
Clarification Concerning the Interpretation of Quran], Dar Al-Ihya Al-Turath
Al-Arabi, Beirut: n.d.
- ۴۱- Waqidi, Muhammad bin Umar, Maghazi [The Prophet's Stories of
Military Expeditions], Dar al-A'lami, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۰۹ AH.
- ۴۲- Zamakhshari, Mahmoud bin Umar, Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamidh
al-Tanzil wa Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil [Discovering the Realities
of the Ambiguity of the Revelation and the Origins of the Narrations
Concerning Aspects of Hermeneutics], Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: ۳rd
Edition, ۱۴۰۷ AH.
- ۴۳- Zarkashi, Abu Abdullah Badruddin, Al-La'ali al-Manthurah fi Ahadith
Mashhurah [The Scattered Pearls Among the Famous Ahadith], Dar al-
Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱st Edition, ۱۴۰۶ AH.